

## Saffarid Dynasty

### (دودمان صفاریان)

صفاریان خاندانی ایرانی بودند که بر قسمت‌هایی از ایران، افغانستان، تاجیکستان و پاکستان امروزی حکومت می‌کردند. صفاریان از نخستین حکومت‌های مستقل از بنی‌عباس بود. یعقوب لیث، بنیانگذار صفاریان، کار خود را به عنوان فردی از گروه عیاران از سیستان شروع کرد. پایتخت آن‌ها شهر زرنج یا زرنج بود که امروزه در افغانستان قرار دارد. آنان خود را از نوادگان ساسانیان می‌دانستند که بعد از حمله اعراب به ایران، به سیستان مهاجرت کردند. صفاریان بخصوص در بیشتر سال‌های حکومت یعقوب لیث صفاری (۲۶۵-۲۸۷ ق.)، بنیانگذار این حکومت، روابط دوستانه‌ای با خلافت عباسی نداشتند.

صفاریان که فارس و خراسان و سیستان را گرفتند چهار برادر به نام‌های یعقوب، عمرو، طاهر و علی بودند. یعقوب برادر بزرگ آن‌ها بود و غلام رویگری بود و به همین دلیل به صفار شهرت یافتند. (صفار در فرهنگ فارسی معین، یعنی رویگر، روی فروش). بنیانگذار حکومت صفاریان، یعقوب لیث صفاری (حک: ۲۶۵-۲۴۷ ق) بود که همراه با برادران خود از شغل رویگری به یکی از دسته‌های عیاران در سیستان پیوست. در آن دوران سیستان عرصه فعالیت گروه‌های مختلف خوارج بود و عیاران به نوعی به مبارزه با خوارج می‌پرداختند. یعقوب لیث ابتدا به خدمت صاحب بن نصر، حاکم سیستان درآمد. پس از مدتی توانست یکی از امیران سپاه شود. او سپس با همراهی گروهی از عیاران دسته‌هایی از خوارج را شکست داد و نیز عده‌ای از آنان را با خود همراه کرد. او بر اوضاع سیستان مسلط شد و سپس هرات و کابل را تصرف کرد. او با تصرف مناطق شرق افغانستان هدایای با ارزشی برای خلیفه عباسی فرستاد و به این ترتیب خود را به عنوان یکی از فرماندهان مرزهای اسلامی مطرح ساخت.

یعقوب لیث همچنین به پیشروی خود به سوی غرب ادامه داد و به خوزستان رسید و المعتمد، خلیفه عباسی که بیم تصرف عراق به دست او را داشت، لشکری را به فرماندهی الموفق عباسی به مقابله با او فرستاد که در سال ۲۶۲ در نبرد دیر العاقول یعقوب لیث را شکست داد. یعقوب در ۲۶۴ ق در تلاش برای جمع‌آوری لشکری برای حمله دوباره به بغداد درگذشت.

برادر یعقوب، عمرو بن لیث (۲۶۵-۲۸۷ ق) بعد از درگذشت برادر جانشین وی شد و در ابتدای امارت خود با ارسال نامه‌ای به معتمد عباسی، فرمانبرداری خود از خلیفه را اعلام کرد و خلیفه نیز به طور رسمی امارت بر خراسان و فارس و کرمان و سایر نقاط شرق و مرکز ایران را به او واگذار کرد. با این حال ارتباط خلافت عباسی با او در اواخر دوران حکومت به دشمنی گرایید. عمرو در حمله به تصرفات اسماعیل سامانی شکست خورد و به اسارت درآمد و به بغداد فرستاده شد و در زندان خلیفه درگذشت.

بعد از درگذشت عمرو تعداد دیگری از خاندان صفاری در نواحی شرقی و جنوبی ایران حکومت کردند. در این دوران با قدرت یابی سامانیان، قدرت صفاریان به افول نهاد و مدتی را تحت نظارت سامانیان حکومت کردند، با این حال حکومت محلی خاندان صفاری در سیستان تا سال ۳۹۳ ق که محمود غزنوی، سیستان را به تصرف خود در آورد، ادامه یافت.

برخی از منابع تاریخی، صفاریان را به شیعه‌گری و یا اسماعیلی‌گری متهم کرده‌اند یا حکومت آنان را فراهم‌کننده شرایط مساعد برای رشد تشیع در شرق ایران ارزیابی کرده‌اند. این نظر در میان پژوهشگران معاصر موافقان و مخالفانی دارد.

در قدیم به سیستان رام شهر می‌گفتند که بین کرمان و سیستان نزدیک دارک و مقابل راشک قرار داشت. می‌گویند رود سیستان در آنجا جریان داشته‌است و به علت شکافی از رودخانه هیل مند یا هیرمند بریده شده و آب آن کم شده و مردم آنجا را ترک کردند و زرنج را ساختند. شهر زرنج که پایتخت صفاریان در هزار و یک صد سال پیش بود به دلیل اینکه مسیر هیرمند در مدت طولانی

چندین بار تغییر یافته، نمی‌توان با اطمینان گفت که کدام یک از آثار خرابه شهرهای قدیمی سیستان از آن زرنج بوده باشد. امروزه معتقدند زرنج در صدر اسلام یعقوب لیث و جانشینانش در کناره شرقی دریاچه هامون قرار داشته و این تقریباً روبه‌روی همان محلی می‌شود که گفتیم که به پایتخت یعقوب معروف است.

در عصر صفار کشاورزی رونق بیشتری داشت. محصولات کشاورزی سیستان شامل انگور، غله، انخوزه، و میوه‌های مختلف و شامل زیلو-کرباس و صابون و مشربه و کوزه‌های گوناگون و اسباب و آلات فلزی که از روی و برنج ساخته می‌شد بود. از شهرهایی که صفاریان به آن توجه داشتند شهر بُست بود که پس از زرنج یکی از مهم‌ترین شهرهای سیستان بود که مردمش توانگر بودند و عده‌ای به شغل بازرگانی اشتغال داشتند و از آنجا به تجارت هندوستان می‌رفتند. به دلیل آنکه رود هیرمند در نزدیکی به مرز هندوستان قرار داشت مرکز بازرگانی به حساب می‌آمد.

در زمان صفاریان زبان فارسی زبان رسمی شد و تا حدودی از مرگ تدریجی آن جلوگیری شد. به‌طوری‌که یعقوب لیث دستور داده بود که در کاخ او تنها به زبان فارسی سخن گفته شود و تکلم به زبان عربی دارای مجازات بود، همچنین یعقوب لیث از شاعران بسیاری حمایت می‌کرد. محمد بن وصیف، یعقوب را بر فتوحات متعدد و غلبه بر زنبیل و عمار خارجی و تسخیر سیستان، کرمان، فارس و هرات می‌سازد و می‌گوید:

ای امیری که امیران جهان خاصه و عام      بنده و چاکر و مولای و سگ بند و غلام  
ازلی خطی در لوح که ملکی بدید      بی‌ابی یوسف یعقوب بن الیث همام

محمد بن وصیف در زمان عمرو نیز شاهد وقایع تاریخی بود و اشعاری در گذشته شدن رافع دارد (این واقعه به سال ۲۸۳ هـ ق است). وصیف، دورهٔ یعقوب و عمرو و طاهر را به خوبی درک کرده‌است. از بی‌ارادگی طاهر، در خلاصی عمرو آزرده خاطر بود و برای این که واقعیات را برای عمرو روشن نماید، اشعاری می‌سراید که عمرو باخواندن آن‌ها نومید گشت و دل از این جهان بر گرفت.

بر روی سنگ قبر یعقوب دو بیت شعر عربی با ترجمه فارسی مشاهده شده است.

خراسان احویها و اکناف فارس و ما کنت عن ملک العرق بآیس

سلام علی الدنیا و طیبب بسیمها کان لم یکن یعقوب فیها بجالس

ابوسیلک گرگانی، منوچهری او را در شمار شعرای قدیم خراسان ذکر کرده و هم ردیف استادان بزرگ پس از خود می‌آورد. اشعارش بیشتر غزلیات آمیخته با طنز عامیانه است. موسیقی محلی گرگان بخشی به نام ابوسیلک دارد.

خون خودگر بریزی بر زمین به که آب روی ریزی در کنار

بت پرستنده به از مردم پرست پند گیر و کار بند و گوش دار



سکه‌های نقره‌ای یعقوب و عمرو لیث، ضرب شده در ۲۶۰ و ۲۶۹ هجری

به‌طور کلی سکه‌های صفاریان از جنس طلا، نقره و برنز بوده و از لحاظ طرح و نوشته شبیه سکه‌های عباسی است، با این تفاوت که در یک روی سکه نام فرمانروای صفاری و در روی دیگر، نام خلیفه عباسی نوشته شده است.

سکه‌ای صفاری که در سال ۲۸۳ هجری قمری در دوره عمرو لیث صفاری در شهر نائین ضرب شده است، ویژگی‌های زیر را داشته است:

روی سکه: الله، محمد رسول الله، المعتضد بالله

متن حاشیه:

محمد رسول الله ارسله بالهدى ودين الحق ليظهره

على الدين كله ولو كره المشركون

(آیه ۳۳ سوره توبه و آیه ۹ سوره صف با کمی تغییر)

متن پشت سکه:

لااله الاالله وحده لا شريك له عمرو ليث

حاشیه داخلی:

بسم الله ضرب هذا الدرهم بنائين سنة ثلث وثمانين و مائتين (۲۸۳)

حاشیه خارجی

الله الامر من قبل ومن بعد يومئذ يفرح المومنون بنصر الله

(قسمتی از آیات ۴ و ۵ سوره روم)

نور اشرف

Continued.....